

ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگی

افرا غریب‌پور *

مارال توتونچی مقدم **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

چکیده

حرفه معماری و به تبع آن آموزش معماری فرایندی است که به شدت متأثر از عوامل فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی هر سرزمین است. یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش معماری، باید پرورش معمارانی باشد که بتوانند بر پایه شناخت ویژگی‌های فرهنگی سرزمین خود، به امر معماری در ایران بپردازند. بنابراین این پرسش مطرح است که آیا نظام آموزش معماری در ایران، معماران جوان را برای حل مسائل بومی- منطقه‌ای‌شان و طراحی هوشمندانه در بستر فرهنگی سرزمینشان آماده می‌کند؟ در این مقاله برای ارزیابی آموزش معماری از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگی، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. بنابراین، نخست فرهنگ به‌طور عام تعریف شده و سه مؤلفه اصلی آن در قالب جهان‌بینی و باورها، جغرافیا و تاریخ تبیین شده‌اند. سپس موضوعات مؤثر بر معماری در هر یک از این سه حوزه، به روش دلفی مشخص شده‌اند. در بخش دوم با تکیه بر مؤلفه‌ها و موضوعات تعیین شده، برنامه آموزش فعلی معماری در کشور ارزیابی شده است. در این ارزیابی سه برنامه آموزشی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، برنامه‌های بازنگری شده دانشگاه شهیدبهشتی و تهران بررسی شده است تا میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در اهداف و متن طرح دروس این برنامه‌ها در چهار حوزه کلی دروس طراحی معماری، دروس تاریخ و مبانی نظری، دروس فن ساختمان و در نهایت دروس اختیاری ارزیابی شود. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که میزان توجه به موضوعات سه حوزه جهان‌بینی، تاریخ و جغرافیا در طرح دروس مختلف سه برنامه بررسی شده همسان نیست و در محتوای مصوب برای دروس آموزش معماری، به اندازه کافی از ظرفیت‌های هر حوزه برای توجه به مؤلفه‌های فرهنگ استفاده نشده است. به عبارتی هر یک از سه حوزه اصلی دروس آموزش معماری ظرفیت مناسبی برای پرداختن به مؤلفه‌های فرهنگی حوزه تاریخ، جغرافیا و جهان‌بینی فراهم می‌کند که لازم است در تدوین طرح درس‌ها به‌طور مشخص به آن‌ها اشاره شود. بازنگری برنامه‌های آموزش معماری با رویکرد تحلیل محتوا و تدوین دروس جدید فرصت مناسبی برای جبران کمبودهای موجود در آموزش معماری منطبق با بستر فرهنگی ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها

سرفصل‌های آموزش معماری، فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، جهان‌بینی.

* استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، afra.gharibpour@ut.ac.ir
** دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

پرسش‌های پژوهش

۱. تعریف فرهنگ چیست و مؤلفه‌های فرهنگ و موضوعات تأثیرگذار بر معماری در حوزه مؤلفه‌های فرهنگ چیست؟
۲. در دروس برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌های معماری اصلی کشور، چه میزان به مؤلفه‌های فرهنگ و موضوعات تأثیرگذار بر معماری ذیل آن‌ها توجه شده است؟
۳. در برنامه‌های آموزش معماری در دوره کارشناسی تا چه میزان ظرفیت برای ارتقای توجه به مؤلفه‌های فرهنگی وجود دارد؟

مقدمه

آموزش معماری فرایندی است که از طریق برنامه و نظامی مدون، افرادی را به‌عنوان کارشناس معماری تربیت می‌کند. در مقدمه «مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس رشته: مهندسی معماری» دوره کارشناسی معماری دوره‌ای حرفه‌ای تعریف شده است که پرورش استعداد حلاقانه، انتقال دانش‌ها و مهارت‌های عمومی حرفه معماری و حصول کارآیی عمومی در این رشته را هدف قرار می‌دهد (شورای عالی برنامه‌ریزی ۱۳۷۷). از آغاز آموزش دانشگاهی معماری در ایران کمتر از صد سال می‌گذرد. این نظام دانشگاهی که ابتدا با تقلید از الگوی مدارس هنری فرانسه (بوزار) به‌وجود آمد، در طول دوره حیات خود متأثر از جریان‌های فکری در کشورهای غربی، معماران را به‌سمت معماری بین‌المللی سوق داد. آنچه بیش از هر چیز در تبدیل نظام آموزش سنتی به دانشگاهی رخ داد، ایجاد فاصله میان آموزش معماری و بستر فرهنگی بود. پس از انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی، علی‌رغم بازنگری‌های انجام شده در برنامه آموزشی معماری، معماران پرورش‌یافته در نظام آموزش دانشگاهی، معماری را تقریباً جدای از بستر فرهنگی آن می‌آموزند و چنان‌که باید نقش فرهنگ ایرانی و مؤلفه‌های آن بر طراحی معماری را نمی‌دانند. سؤال اصلی تحقیق این است که برنامه‌های آموزش معماری که در دانشکده‌های اصلی معماری کشور اجرا می‌شود، تا چه حد و به چه معنایی به مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی توجه دارد. ایران کشوری است که از یک سو پیشینه فرهنگی ارزشمندی دارد؛ از سوی دیگر بازگشت به ریشه‌های فرهنگی یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی بوده است که توجه به آن امروزه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و ارکان مدیریت فرهنگی کشور را پایه‌ریزی می‌کند. معماری امری ذاتاً منبعث از فرهنگ و خود تأثیرگذار بر فرهنگ است. از این رو پرورش معمارانی که این سرزمین را به درستی بشناسند و بتوانند در این بستر فرهنگی به حرفه معماری بپردازند، بسیار اهمیت دارد. در شرایطی که هجوم مدرنیته و سبک بین‌المللی سال‌هاست که بر آموزش معماری و تفکر معمارانه سایه انداخته، گرایش به حفظ هویت ملی و توجه به فرهنگ در حوزه تفکر و آموزش شروع به گسترش کرده است. وضعیت آشفته معماری و فقدان هویت فرهنگی در آثار معماری و فضاهای زیستی در شهرهای ما بهترین گواه بر مشکل عدم آشنایی معماران با مبانی فرهنگی کشور است که در ضعف تأثیر فرهنگ ایرانی بر آموزش معماری ریشه دارد.

این تحقیق می‌کوشد میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ را در طرح دروس برنامه‌های فعلی دوره کارشناسی معماری در ایران ارزیابی کند. نتایج حاصل از این تحقیق، وضعیت فعلی آموزش معماری را در نسبت با مؤلفه‌های فرهنگ روشن کرده و چهارچوبی برای تدوین برنامه آموزش معماری مبتنی بر بستر فرهنگی فراهم می‌کند. به کمک این چهارچوب که براساس شاخصه‌های مکانی، زمانی و اعتقادی فرهنگ ایرانی تعریف شده است، امکان ارزیابی محتوای دروس معماری و تدوین طرح درس‌ها فراهم می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در دو بخش اصلی انجام شده است: بخش نخست، به تعریف فرهنگ، مؤلفه‌های آن و موضوعات تأثیرگذار بر معماری اختصاص دارد. روش پژوهش در این بخش، تحلیل محتوا و نتیجه‌گیری آن به روش دلفی بوده است. در روش دلفی، برای تعیین موضوعات تأثیرگذار بر معماری در حوزه مؤلفه‌های فرهنگی تعیین شده، پرسشنامه‌هایی تهیه شده و با هشت نفر از صاحب‌نظران حوزه معماری و شهرسازی که به موضوع فرهنگ و معماری و شهرسازی ایران مبتنی بر بستر فرهنگی توجه دارند و در عین حال، خود در حوزه آموزش معماری مشغول به فعالیت هستند، مصاحبه شده است. در این پرسشنامه، ابتدا از صاحب‌نظران خواسته شد تا در حوزه هر یک از مؤلفه‌های فرهنگ، موضوعات تأثیرگذار بر معماری را نام ببرند. براساس مقایسه پاسخ‌های آن‌ها، فهرستی تهیه شد و در مرحله بعد از آن‌ها خواسته شد تا درباره فهرست تهیه‌شده اظهار نظر کنند. در مرحله نهایی، فهرست نهایی مورد نظرخواهی آن‌ها قرار گرفت که تا هم به لحاظ عناوین و هم تعداد آن‌ها اجماع نهایی صورت گرفته باشد. در بخش دوم، برای ارزیابی تأثیر فرهنگ و مؤلفه‌های آن بر آموزش معماری، برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی به‌علت گستردگی حوزه عملیاتی آن در کل کشور و برنامه‌های بازنگری شده در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی، به‌علت پیشرو و متأخر بودن در امر بازنگری برای مطالعه انتخاب شده است. در این مطالعه، طرح درس و سرفصل همه دروس مطالعه شده و میزان توجه به موضوعات مؤثر بر معماری در اهداف و متن طرح دروس دوره کارشناسی در جداول جداگانه، ارزیابی و در انتها باهم مقایسه شده است. در نهایت براساس ارزیابی انجام‌شده، بخشی به امکان‌سنجی افزایش توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در آموزش معماری اختصاص داده شده است. در این بخش، در ادامه روش دلفی، در پرسشنامه‌ها نظر صاحب‌نظران درباره امکان ارتقای توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در حوزه‌های اصلی دروس معماری پرسش شده است (براساس امتیازدهی از صفر تا ۵) و در نهایت از برآیند پاسخ‌های آن‌ها امکان افزایش توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در آموزش معماری سنجیده شده است که در قالب نمودار نشان داده شده است. همچنین با مطالعه طرح دروس برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، ظرفیت ارتقای توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در برنامه فعلی ارزیابی گردیده و با پیشنهاد اساتید صاحب‌نظر مقایسه شده است.

پژوهش‌های پیشین

پژوهش‌های پیشین مشابه در سه حوزه قابل جست‌وجو بوده است: نخست پژوهش‌های مشابهی که به ارزیابی محتوا و برنامه آموزش معماری در ایران پرداخته‌اند و دوم پژوهشی‌هایی که به رابطه فرهنگ و معماری و آموزش معماری توجه داشته‌اند، و سوم پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی و انسان‌شناسی که به مفهوم فرهنگ پرداخته‌اند. در بخش نخست، از میان پژوهش‌های در دسترس، از طریق مقالات منتشرشده، پژوهش مشابهی که به ارزیابی آموزش معماری از منظر توجه به فرهنگ یا بستر فرهنگی پرداخته باشد، یافته نشده است. از جمله پژوهش‌های مشابه در این حوزه که کل سرفصل دروس معماری را از نقطه‌نظری خاص بررسی کرده، عبارت‌اند از: «ارزیابی تناسب برنامه درسی تدوین‌شده زیست‌محیط در رشته‌های مهندسی عمران، معماری و کشاورزی» (محمدی و عزیزپور ۱۳۹۲)، «بررسی و ارزیابی آموزش دروس فن ساختمان در رشته معماری» (گلابچی، وفامهر و شاهرودی ۱۳۸۲) و «تحلیل محتوای دروس معماری منظر» (فیضی و اسدپور ۱۳۹۲) بوده است. پژوهش‌های دیگری نیز بوده‌اند که تنها به اهمیت، ضرورت یا جایگاه یک موضوع در آموزش معماری و روش توجه به آن پرداخته‌اند؛ از جمله: «جایگاه دانش و صنعت بومی در آموزش معماری بومی» (مهدوی‌پور و جعفری ۱۳۹۱)، «رویکردی اسلامی به طراحی مدل ساختارمند نظام آموزش معماری» (اسلامی و قدسی ۱۳۹۲)، «نقش پژوهش در فرایند آموزش طراحی» (شهیدی، بمانیان و یالپانیان ۱۳۸۷) و «الزامات توجه به میراث فرهنگی در آموزش معماری» (مردمی و محمدمراد ۱۳۸۷). از این‌رو ارزیابی انجام‌شده در مقاله حاضر که از منظر توجه به بستر فرهنگی است، پیش‌تر انجام نشده است. در بخش دوم، پژوهش‌های مرتبط با موضوع رابطه فرهنگ و معماری یا آموزش معماری مورد جست‌وجو قرار

گرفت. در این حوزه نزدیک‌ترین پژوهش، رسالهٔ دکتری منوچهر معظمی با عنوان «معماری و فرهنگ: تبیین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر معماری ایران در دورهٔ معاصر» (معظمی ۱۳۹۱) است که در بخش نتایج اصلی در تبیین مؤلفه‌های فرهنگی، آنچه در این مقاله انجام شده، با رسالهٔ نامبرده منطبق است. همچنین مکتوبات ارزشمند ایمس راپاپورت شامل «فرهنگ، معماری، و طراحی»، «منشا فرهنگی مجتمعات‌های زیستی»، «معنای محیط ساخته شده» به جستجوی تاثیر فرهنگ بر معماری پرداخته‌اند که از نتایج آن‌ها در تبیین مؤلفه‌های فرهنگی در این پژوهش بهره گرفته شده است. پژوهش‌های مرتبط دیگر عبارت‌اند از: «فرهنگ در پژوهش‌های معماری» (مظفر، حسینی، و عبدمجیری ۱۳۹۱) و «تربیت و عمارت: آموزش معماری با تأمل در مفهوم فرهنگ نزد قدما» (نجارنجفی ۱۳۹۱). این پژوهش‌ها اگرچه به رابطهٔ میان فرهنگ و معماری یا آموزش معماری توجه داشته‌اند، کمک زیادی به پژوهش حاضر نکرده است.

در بخش سوم، پژوهش‌هایی که به تبیین مفهوم عام فرهنگ و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند از جمله «تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ» (آشوری ۱۳۸۰)، «زمینهٔ فرهنگ‌شناسی» (روح‌الامینی ۱۳۷۹)، مقالات محمدعلی اسلامی ندوشن و سید حسین نصر در حوزه فرهنگ، مورد استفاده پژوهش حاضر بوده‌اند.

۱. مبانی نظری: فرهنگ و نسبت آن با معماری

۱.۱. تعریف فرهنگ

۱.۱.۱. معنای فرهنگ در لغت

تبیین مفهوم فرهنگ را می‌توان از سیری در معنای لغوی آن آغاز کرد. واژهٔ فرهنگ در زبان فارسی از واژه‌های بسیار کهنی است که در نخستین متن‌های نثر فارسی دری و نیز در نوشته‌های بازمانده از زبان پهلوی فراوان یافت می‌شود و همچنین جداکرده‌های گوناگونی از مصدر آن «فرهیختن» ساخته شده است. فرهیختن به معنای ادب و هنر و علم‌آموختن یا آموزاندن بوده است و فرهنگ در اصل به معنای ادب و علم و هر آنچه در ردهٔ شایستگی‌های اخلاقی و هنروری جای دارد. با آشنایی ایرانیان با علوم اجتماعی مغرب‌زمین، واژهٔ فرهنگ معادل کولتور استفاده شد و اندک‌اندک از معنای اصلی خود به سوی این معنای مورد نیاز جدید کشانده شد (آشوری ۱۳۸۰، ۱۸۱۶).

فرهنگ (از: فر، پیشوند + هنگ از ریشهٔ تنگ اوستایی) به معنای کشیدن و فرهختن و نیز تعلیم و تربیت است. فرهنگ به معنی فرهنگ است که علم و دانش و ادب است (برهان). فرهنگ در لغت از ترکیب پیشوند «فر» (پیش، جلو، به سوی جلو) و «آهختن» (برکشیدن، بیرون کردن، برآوردن) است، به معنای «فرآوردن» یا «بالا کشیدن» یا «بیرون آوردن» که در در تداول معنای علم و دانش، ادب، آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت یافته و گویا در زراعت نیز متداول بوده است (نجارنجفی ۱۳۹۱، ۱۹).

در زبان فارسی واژهٔ فرهنگ معادل واژهٔ کولتور^۱ به کار می‌رود. تاریخ مفهوم کولتور، چنان‌که امروزه در علم به کار می‌رود، داستان پدیدآمدن یک مفهوم تازه است از میان معناهای نهفتهٔ گوناگون یک واژهٔ موجود که اندک‌اندک از آن بیرون تراویده است. واژهٔ کولتور از زبان کلاسیک و شاید زبان پیش کلاسیک لاتین ریشه می‌گیرد و در اصل به معنای کشت‌وکار یا پرورش بوده است. این واژه از آغاز، معنای بهگشت و پیشرفت به سوی کمال را در بر داشته، اما از نیمهٔ قرن هجدهم با کاربرد آن در خصوص جوامع بشری کم‌کم معنای علمی تازه و خاصی به خود گرفت. در این قرن، گرایشی برای مطالعهٔ جامعه‌های بشری به وجود آمد که بر آداب‌ورسوم تکیه می‌کرد. آداب‌ورسوم آن مفهوم عامی است که از بطن آن مفهوم علمی فرهنگ به عنوان فرآوردهٔ زیست‌اجتماعی آدمیان پدیدار گشته است. در اواخر قرن نوزدهم تعریف روشن علمی از این واژه توسط انسان‌شناسان و زبان‌شناسان آن دوران به دست داده شد. این معنا به دست‌های از ویژگی‌ها و دستاوردهای جامعه‌های انسانی و در نتیجه تمام بشریت اشاره دارد که با سازوکارهایی به جز وراثت زیستی انتقال‌پذیرند. بر این اساس، فرهنگ کلیت درهم‌تافته‌ای است شامل دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب‌ورسوم، و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (آشوری ۱۳۸۰، ۴۸-۳۵).

۲.۱.۱. تعریف مفهوم فرهنگ

آنچه به عنوان فرهنگ می‌توان تعریف کرد، باید با آنچه در «نقشه مهندسی فرهنگی» تحت عنوان فرهنگ و فرهنگ اسلامی معرفی شده است سازگار باشد. براساس نقشه مهندسی فرهنگی^۲ مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگ نظام‌واره‌ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه‌دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۱). از سوی دیگر، صاحب‌نظران دیگری نیز تلاش کرده‌اند مفهوم فرهنگ را تبیین کنند. از نظر اسلامی ندوشن، فرهنگ به مفهوم عام خود، روش زندگی کردن و اندیشیدن است و حاصل می‌شود از مجموع دانسته‌ها و تجارب و اعتقادهای یک قوم. فرهنگ «تبلور» و «چکیده» دریافت‌ها و دانسته‌های عملی و نظری و عقلی و احساسی یک قوم است (اسلامی ندوشن ۱۳۴۹ الف، ۱۹۳-۱۹۹). از نظر او، فرهنگ به معنای خاص به سرمایه معنوی یک قوم گفته می‌شود، و این همه آثار ادبی و هنری و فکری را دربرمی‌گیرد؛ همه آنچه از درون او سرچشمه گرفته و در برون، تجلی خود را در «سازندگی» یافته است (اسلامی ندوشن ۱۳۴۹ ب، ۲۵۷-۲۶۳). فرهنگ گذشته و حال را به هم پیوند می‌دهد. فرهنگ در تعریف ساده‌اش عبارت است از رشته‌هایی که انسان را با محیط خود و دنیای خارج پیوند می‌دهد، وزنه تعادل بخش وجود است (اسلامی ندوشن ۱۳۵۱، ۸۵).

۲.۱. مؤلفه‌های فرهنگ

آنچه ذکر شد معنای عام و کلاسیک فرهنگ بود که تعلق آن را به حوزه فرآورده‌های زندگی اجتماعی انسان نشان می‌دهد. اما در تفسیرهای متفکران از فرهنگ وجوه خاصی از مفهوم فرهنگ برجسته شده و مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در جهان‌بینی اسلامی، فرهنگ به معنای اخص آن مشتمل بر نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارها بوده و منبعث از وحی و جهت‌دهنده و محتوابخش نظام‌ها و بخش‌های جامعه است. باورها و اعتقادات و ارزش‌های اسلامی، شاکله نهادها و سازمان جامعه اسلامی را ایجاد و در تار و پود اندیشه و تفکر و کردار و رفتار فردی و اجتماعی فرد مسلمان تنیده شده است. چنین یکپارچگی و درهم‌تنیدگی کل‌نمای اعتقادات و باورها، ارزش‌ها و رفتارها، دین اسلام را به یک فرهنگ (فرهنگ اسلامی) مبدل ساخته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۱). اسلامی ندوشن معتقد است نحوه تکوین تفکر یک قوم، زائیده عوامل ثابت و متغیر است که به مرور، آن را به صورت یک گرایش درمی‌آورند. از دو عامل مهم، موقعیت جغرافیایی و اقلیم باید نام برد که عامل مؤثر سومی را ماهیت می‌بخشند و آن تاریخ است (اسلامی ندوشن ۱۳۹۰، ۴۳-۴۵). بدین ترتیب، اسلامی ندوشن سه عامل جغرافیا، اقلیم و تاریخ را منشأ پیدایش فرهنگ یک قوم تلقی می‌کند. مهدی حجت معتقد است که فرهنگ عبارت است از حاصل ضرب جغرافیا در تاریخ، اما عامل سومی هم وجود دارد که عبارت از باورها و اعتقادات است. عناصر زمان و مکان و باور، عناصری هستند که چه کسی بودن مردم را تشکیل می‌دهد. وقتی این عناصر کنار هم قرار می‌گیرد اصالت خوانده می‌شود (حجت ۱۳۸۶، ۱۲۸-۱۳۳). او در ارتباط با فرهنگ از هویت سخن می‌گوید و معتقد است هویت هر موجود زائیده سه عنصر است: جغرافیا یا محیط طبیعی‌ای که او در آن به وجود آمده، تاریخی که بر او گذشته است، و باورها و اعتقاداتی که دارد (حجت ۱۳۸۷، ۸۴-۸۸). مطالعه آرای صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و معماری در باره فرهنگ و فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد که در این آراء، آنچه در تعریف مهدی حجت از فرهنگ نهفته است، از یک سو مبتنی بر تعریف فرهنگ به طور عام است که میان اقوام مختلف می‌تواند مشترک باشد و از سوی دیگر مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی است که باورها و اعتقادات یک قوم را به منزله اساس فرهنگ آن قوم می‌شناسد. بنابراین برای تعریف فرهنگ در سرزمینی که از یک سو به شدت متأثر از عوامل تاریخی و جغرافیایی خود است و از سوی دیگر، جهان‌بینی الهی بر زوایای مختلف زندگی انسان‌ها در آن حاکم بوده است، سه عامل جهان‌بینی و باورها، تاریخ و جغرافیا در ارتباط با فرهنگ جامع‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی را تدوین می‌کند.

۱.۲.۱. جهان‌بینی و باورها

از نظر سید حسین نصر فرهنگ عبارت از هرگونه ثمره اندیشه یا ساختن یا فعل یا عملی است که منعکس‌کننده جهان‌بینی حاکم بر یک اجتماع باشد، البته معنی خاص‌تر آن، انعکاس جوانب معنوی آن جهان‌بینی بر ابعاد مختلف

حیات انسانی است، درحالی که معنای عام تر آن، ثمرات، فعل و انفعالات، و اعمال روزانه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد (نصر ۱۳۸۶، ج. ۲، ۲۴۱). در این تعریف مهم‌ترین مؤلفه فرهنگ هر قوم، جهان‌بینی آن‌ها شمرده شده است. پس برای شناخت فرهنگ ایرانی لازم است نخست جهان‌بینی ایرانی مورد توجه قرار گیرد. جهان‌بینی هر قوم به بهترین نحو از راه دین و آیین‌ها و آداب و سنن قابل شناخت است. دین به معنای وسیع آن را باید اصل و حتی نفس جهان‌بینی که خود ایجادکننده فرهنگ است دانست. فرهنگ ایران هم در دوران قبل از اسلام و هم در دوران اسلامی، هیچ‌گاه از دین جدا نبوده است. البته در هریک از این دو دوره جهان‌بینی جداگانه‌ای بر تاریخ ایران حکمفرما بوده است که بین آن دو، هم انفعال وجود دارد و هم اتصال. طبق نظر نصر، می‌توان در ایران از فرهنگ منسجم و به هم پیوسته‌ای سخن گفت که انعکاس دو جهان‌بینی قبل و بعد از اسلام در قلمروهای گوناگون است و از معماری هخامنشی و موسیقی ساسانی تا شعر فارسی هزاره اخیر و فلسفه و عرفان و جمیع هنرهای تجسمی و سایر هنرها و ادب و فنون را دربرمی‌گیرد (همان، ۲۴۲-۲۴۱).

به‌طور خلاصه می‌توان مهم‌ترین خصایص جهان‌بینی حاکم بر دو عصر تاریخ ایران و ویژگی‌های فرهنگی حاصل از آن‌ها را چنین برشمرد: اعتقاد به عالم معنا و تعامل آن با عالم صورت، اعتقاد به اصالت روح و اهمیت حیات جاویدان، ارتباط معنویت با تمام شئون حیات، آمیختگی تعقل و زیبایی و منطق و شعر، تمایز و تعادل میان درون و بیرون و استقلال فرهنگ در عین جهانی‌بودن و پذیرش عوامل جدید (نصر ۱۳۸۶، ج. ۲، ۱). به این ترتیب می‌توان آنچه را در حوزه دین و اعتقادات انسان، شیوه زندگی و آیین‌ها و رفتار و سنن برآمده از باورها قرار دارد، از مقولات فرهنگی مرتبط با جهان‌بینی دانست.

۲.۲.۱ تاریخ

زندگی انسان در بستر تاریخ جریان دارد. مجموع دانسته‌ها، تجارب و اعتقادهای یک قوم که فرهنگ آن را شکل می‌دهد در گذر زمان به تدریج شکل گرفته و قوام پیدا کرده‌اند. شیوه زندگی امروز انسان‌ها از جریان تاریخ سرزمینشان و آنچه طی روزگاران بر ایشان گذشته، به نحو پنهان و آشکار متأثر است؛ یعنی هر جامعه و هر فردی در آن جامعه به ناچار در نقطه‌ای قرار گرفته است، که آن نقطه حاصل تمام تحولات پیشین آن جامعه و افراد آن است. پس می‌توان تاریخ را یکی از مؤلفه‌های فرهنگ جوامع دانست. تاریخ و جغرافیا به یکدیگر وابسته‌اند و برای فهم دقیق هریک، باید از دیگری کمک گرفت. با نگاهی به تاریخ، ایران کشوری تنها با سرگذشتی خاص و متفاوت با دیگران است. سرزمین‌های دیگر کمابیش در یک گروه تمدنی مشترک جای می‌گیرند اما ایران یک واحد تمدنی منفرد است. علت این امر را نخست باید در جغرافیا جست‌وجو کرد چراکه تاریخ تا حد زیادی متأثر از جغرافیاست (اسلامی ندوشن ۱۳۹۰، ۲۴).

ایران سرزمینی میان شرق و غرب بوده و با همه تمدن‌های مهم تبادلات فرهنگی داشته است و در عین حال، در گذر تاریخ طولانی‌اش همواره فرهنگ منسجمی را حفظ کرده و پرورده است. به نظر سید حسن نصر، فرهنگ ایران همیشه کاملاً مشخص و ملی و در عین حال با دیدی بین‌المللی و جهانی بوده است. از نظر او، عامل استقلال و در عین حال پذیرش عوامل گوناگون، نه تنها از اجزای فرهنگ ایران است، بلکه شاید نیروی تحرک بخشنده به این فرهنگ بوده است (نصر ۱۳۸۶، ج. ۱، ۷۱۳-۷۱۵). شناخت فرهنگ امروز ایران مستلزم آگاهی به تمام مراحل تاریخ این مملکت، نه به نحوی گسسته و متناقض، بلکه به صورت مراحل حیات یک موجود زنده است. این تاریخ تنها محدود به تاریخ حکومت‌ها نیست بلکه سیر تحول زندگی انسان در همه ابعاد اعتقادی و اجتماعی و سیاسی مدنظر است.

۳.۲.۱ جغرافیا

هر قوم و ملتی با فرهنگ خاص خود، در زیستگاهی طبیعی زندگی می‌کند و بیگمان ویژگی‌های محیط بر شکل زندگی انسان‌ها تأثیرگذار است. زندگی انسان تحت تأثیر دو بعد مکان (جغرافیا) و زمان (تاریخ) است و باورها (جهان‌بینی) بر مجموعه این دو بعد سایه می‌اندازد (حجت ۱۳۸۲، ۲۹). جغرافیا جزء آن دسته از متغیرهای تأثیرگذار بر فرهنگ است که در طول زمان کمابیش ثابت می‌ماند. سید محمد بهشتی فرهنگ را به درختی تشبیه می‌کند که

ریشه، تنه، شاخ، برگ و میوه دارد، و ویژگی‌های محیطی و طبیعی را که در طول زمان دچار تفاوت جدی نمی‌شود می‌توان در حکم ریشه درخت دانست (بهشتی ۱۳۸۹، ۱۳). اقلیم و آب‌وهوا، زمین و خصوصیات آن، کیفیت منابع طبیعی، فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از محیط طبیعی از قبیل دسترسی به منابع آب یا قرارگیری در محل تقاطع راه‌ها، بدون شک در نوع معیشت و فرهنگ هر مکان اثر می‌گذارد. پس روشن است که مطالعه ویژگی‌های طبیعی سرزمین همواره از مهم‌ترین راه‌های پی بردن به ویژگی‌های پایدار فرهنگی هر قوم است.

کشور ایران موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای دارد؛ در محل پیوند شرق و غرب جهان قرار گرفته و ارتباط نزدیکی با همه عناصر فرهنگی جهان قدیم داشته است. اگرچه محدوده جغرافیایی ایران امروز در مقایسه با مرزهای پهناور گذشته کوچک‌تر به‌شمار می‌آید، هنوز سرزمینی بزرگ و گسترده و از لحاظ کیفیت اقلیمی متنوع است. ایرانیان در عمق روح خود تحت تأثیر این طبیعت عظیم و سرکش و مقهورناشدنی و در عین حال لطیف و چشم‌نواز قرار دارند و اختلاف‌های دگرگون‌کننده مظاهر طبیعت و تعادل ظریف بین موجودات این سرزمین، زندگی و فرهنگ آنان را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد (نصر ۱۳۸۶، ج. ۱، ۷۲۲-۷۲۳). از این‌رو شناخت فرهنگ مردم این سرزمین ارتباط بسیار تنگاتنگی با شناخت ویژگی‌های محیطی تأثیرگذار بر شیوه زندگی آن‌ها دارد.

۳.۱. موضوعات تأثیرگذار بر معماری در حوزه مؤلفه‌های فرهنگ

براساس آنچه گفته شد، فرهنگ را می‌توان در چارچوب سه مؤلفه جهان‌بینی، تاریخ و جغرافیا تعریف کرد. در چنین عرصه‌ای برای فهم رابطه معماری و فرهنگ می‌توان رابطه معماری را با هریک از سه مؤلفه فوق بررسی کرد و در حوزه هریک از مؤلفه‌ها موضوعاتی را تعریف کرد که توجه به آن‌ها امکان سنجش نسبت فرهنگ و معماری و به تبع آن آموزش معماری را میسر کرده و زمینه تحقق معماری مبتنی بر بستر فرهنگی سرزمینمان را فراهم می‌کند.

۱.۳.۱. حوزه جهان‌بینی و باورها

معماری امری انسانی است که از یک سو وابسته به معمار است و از سویی دیگر مخاطب. چه معمار سازنده اثر و چه انسان‌هایی که اثر برای آن‌ها ساخته می‌شود یا به‌طور غیرمستقیم در عرصه زندگی آن‌ها حضور پیدا می‌کند، واجد جهان‌بینی و باورها، اعتقادات و دیدگاه‌ها، آداب‌ورسوم، عادت‌ها و سنن، نیازها و خواسته‌هایی‌اند که بدون شک بر معماری آن‌ها تأثیرگذار بوده یا از آن تأثیر می‌پذیرد. از این‌رو فهم رابطه معماری و مؤلفه جهان‌بینی و باورهای یک فرهنگ نیازمند تبیین موضوعاتی است که میزان توجه به هریک از این شاخصه‌ها در فرایند امر معماری تعیین‌کنند میزان توجه به فرهنگ و مؤلفه جهان‌بینی و باورها خواهد بود. بر این اساس، در حوزه جهان‌بینی و باورها، موضوعات زیر قابل تبیین است:

- ادیان و آموزه‌های دینی

دین از عواملی است که تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر معماری دارد. دین و آموزه‌های دینی بر روش زندگی، آداب و نگرش انسان چه معمار و چه کاربر معماری از یک سو و فضاهای زندگی، چه مذهبی و آیینی و چه عادی از سوی دیگر تأثیر می‌گذارد. انواع بناهای مذهبی و آیینی که از ابتدای زندگی بشر بنا شده است و همچنین کلیه بناهایی که با وجوه مختلف زندگی انسان ارتباط دارد، مبین تأثیر دین بر زندگی و معماری انسان است. توجه به دین و احکام آن هم از نظر هماهنگی کالبد با مراسم دینی و هم از نظر ساختار و فضای حاکم بر طرح معنا پیدا می‌کند. از این‌رو برای فهم معماری یک سرزمین باید به رابطه دین و احکام دینی با معماری و تأثیر متقابل آن دو بر هم توجه شود.

- آداب و سنن و آیین‌ها و رفتارها

در هر جامعه‌ای بخش بزرگی از شکل زندگی انسان‌ها وابسته به آیین‌ها و آداب و رفتاری است که بر انواع اعمال انسان از قبیل فعالیت‌های روزمره تا مراسم و آیین‌های ویژه و به‌تبع آن فضاهای ویژه آن‌ها مؤثر است. از این‌رو شناخت آداب و آیین‌ها و سنن یک سرزمین نقش مهمی بر فهم چگونگی معماری در آن سرزمین دارد.

- نوع نگاه انسان به وجود خود و عالم

نوع نگاه انسان به وجود خود و عالم و اجزای آن و رابطه‌ای که میان آن‌ها می‌یابد، به نوعی بر جهان‌بینی او تأثیرگذار است. این امر اگرچه تا حدود زیادی تحت تأثیر دین و آموزه‌های دینی جهت می‌گیرد، خود به مثابه شاخه‌ای جدا

قابل تأمل است، زیرا چپستی و چگونگی آن بر شعون مختلف زندگی انسان و از جمله معماری او تأثیرگذار است. برای مثال، یکی از ویژگی‌های فرهنگ ایران این است که همیشه میان عالم معنوی و مادی تفاوت قائل بوده است. این درون‌نگری و امتیاز و ارتباط ذاتی بین ظاهر و باطن امور از دیرزمان از خصایل فرهنگ ایرانیان بوده و در شیوه رفتار آنان با یکدیگر و برداشت از گفتار و پندار دیگران و نحوه بیان اندیشه و آفرینش آثار هنری، عمیق‌ترین اثر را از خود به جای گذاشته است (نصر ۱۳۸۶، ج. ۱، ۷۳۹-۷۴۰). چنین اعتقادی بر نگاه ایرانیان به طبیعت نیز اثرگذار بوده است. مردمان ایران‌زمین چه در دروان باستانی و چه در عصر اسلامی، آسمان و زمین و کوه و دشت و بیابان و دریا را نه فقط جوانب گوناگون عالم طبیعت و عنصر لازم برای حیات انسان دانسته‌اند، بلکه آن‌ها را پیوند معنوی میان عالم طبیعت و انسان در نظر آورده‌اند (همان، ۷۴۰-۷۴۲). انسان باید بتواند تفکر و تأمل درباره طبیعت را به‌عنوان آیینی که واقعیت بالاتری را منعکس می‌سازد بیاموزد. در غیر این صورت طبیعت را تنها به‌عنوان موجودی که قابل دست بردن و تحت سلطه درآوردن است مطالعه می‌کند و قادر به شناخت و فهم آن به‌معنای واقعی نخواهد بود (نصر، ۱۳۸۴، ۱۰۸-۱۲۶).

۲.۳.۱. حوزه تاریخ

هر امر انسانی وابسته به بعد زمان است و در ساحت تاریخ رخ می‌دهد. آنچه معماری امروز ما را تشکیل می‌دهد بدون شک محصول سیر تطور امری است که متأثر از سیر تحول جریان‌های فکری، اجتماعی، سیاسی، و تحول توانمندی‌های فکری، فنی و عملی انسان‌ها در جریان تاریخ بوده است. از این‌رو پرداختن به معماری ناگزیر نیازمند شناخت پیشینه و گذشته تاریخی امر معماری در بستر تحولات اجتماعی، فکری، سیاسی و حکومتی سرزمین خواهد بود. بر همین اساس، در حوزه مؤلفه تاریخ موضوعاتی که بر امر معماری تأثیرگذارند، قابل تعریف است:

- تاریخ تحولات سیاسی

معماری هر زمان متأثر از اوضاع سیاسی و تمایلات و امکانات حکومت‌ها در آبادانی و ساخت‌وساز است و اوج و فرود سیاسی و تحولاتی که در دوره‌های تاریخ سیاسی یک سرزمین رخ می‌دهد هم‌زمان بر وضعیت ساخت و توسعه معماری مؤثر است. توجه به پیوندهای موجود میان معماری و اوضاع حاکم بر جامعه در هر دوره، زمینه مناسبی برای فهم بهتر معماری سرزمین فراهم می‌کند.

- تاریخ تحولات فرهنگی و اجتماعی

معماری هر سرزمین متأثر از تحولات فرهنگی و اجتماعی و جریان‌های فکری ناشی از آن‌هاست که در آن سرزمین رخ می‌دهد. مطالعه این تحولات چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، ریشه‌های تاریخی اتفاقات در هر دوره تاریخی، نقاط اوج و فرود وضعیت معماری و جریان‌های فکری حاکم بر آن را آشکار می‌کند. معماری نیز به مثابه یک محصول انسانی، ارتباط تنگاتنگی با جریان‌های فکری یک جامعه و تحولات آن‌ها بر چپستی و کیفیت تحولات معماری در آن جامعه دارد. شناخت تاریخ ایران و نسبت آن با فرهنگ این سرزمین، نیازمند آشنایی با تحولات فرهنگی و اجتماعی از گذشته تا به امروز است که بر معماری و به تبع آن آموزش معماری تأثیر می‌گذارد.

- تاریخ مهندسی و فناوری

نوعی از مواجهه با تاریخ در رشته و حرفه معماری، مطالعه تاریخ تحول فنون به‌کاررفته در معماری از گذشته تا به امروز است. شناخت تاریخ ایران در رابطه با معماری، نیازمند شناخت تاریخ مهندسی و فناوری در این سرزمین است.

- تاریخ هنر و معماری

یکی از شاخه‌های تاریخ در ارتباط با معماری، آشنایی با تاریخ هنر و معماری است که در برگیرنده ریشه‌ها، مبانی نظری و تحولات هنر و معماری در گذشته یک سرزمین است. معماری امروز ایران نیز بدون شک در ادامه سیر تاریخی تحول هنر و معماری در ایران است که علی‌رغم ورود جریان‌های فکری عمومی و هنری در قرون اخیر، مسیر پر فراز و نشیب خود را متناسب با دیگر جریان‌های فکری در سرزمین طی کرده است. از این‌رو آشنایی با تاریخ و هنر و معماری ایران، وجه دیگری از تاریخ سرزمین را در ارتباط با جریان‌های فکری در حوزه هنر و معماری آشکار می‌کند که شناخت آن به تأمل در جایگاه و وضعیت و کیفیت امروزی آن کمک می‌کند.

۱.۳.۳. حوزه جغرافیا

معماری در بستر مکانی خود متأثر از پدیده‌ها و عواملی است که ریشه در جغرافیا دارد. جغرافیای یک سرزمین را می‌توان در سه شاخه جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی و جغرافیای زیست‌محیطی مطالعه کرد که در حوزه شرایط اقلیمی، عناصر و ویژگی‌های محیط طبیعی، منابع بالقوه سرزمین، کیفیت و نحوه تعامل انسان با محیط زیست و ویژگی‌های انسانی متأثر از شرایط جغرافیایی بر معماری یک سرزمین تأثیرگذار است. بر این اساس، می‌توان موضوعات مؤثر بر معماری در حوزه جغرافیا را چنین تعریف کرد:

- شرایط اقلیمی

یکی از مباحث روز معماری، توجه به همسازی آن با طبیعت و حفاظت از محیط زیست و کاهش اتلاف منابع طبیعی از راه بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر است. توجه به این موارد از راه شناخت موقعیت اقلیمی بستر طرح و محدودیت‌ها و امکانات آن حاصل می‌شود. از این رو شناخت شرایط اقلیمی سرزمین ایران و راه‌های مواجهه با آن از ضرورت‌های معماری منطبق بر بستر جغرافیایی سرزمین است.

- عناصر و ویژگی‌های طبیعی زمین

یکی از بحران‌های زندگی امروز، تجاوز انسان به طبیعت و در نتیجه وقوع بحران‌های جدی است که سلامت کره زمین را در معرض خطر قرار داده‌اند. توجه به هماهنگی معماری و صنعت ساختمان با عناصر محیط طبیعی می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و استفاده بهینه از منابع و ایجاد شرایط زیستی سالم‌تر در درازمدت بینجامد. بر این اساس شناخت عناصر محیط زیست طبیعی از جمله خاک و بستر فیزیکی، آب و جریان‌های آبی، گیاهان و پوشش‌های گیاهی از عوامل مهم دستیابی به معماری مطابق بستر طبیعی سرزمین تلقی می‌شود.

معماری علاوه بر وابستگی به شرایط و خصوصیات بستر خود در مقیاس خرد، متأثر از ظرفیت‌هایی است که در مقیاس کلان (منطقه و شهر و حوزه جغرافیایی) نهفته است. در ایرانی، تنوع جغرافیایی و ویژگی‌های متنوعی که بر شکل‌گیری انواع سکونتگاه‌های شهری و روستایی و شیوه معماری و شهرسازی آن‌ها تأثیر داشته است، این ضرورت را ایجاد می‌کند که با دستیابی به بینشی جامع و کل‌نگر در مقیاس سرزمین و منطقه تا درک درست از ساختار شهر و مسائل و نیازهای آن زمینه رسیدن به معماری مطلوب منطبق با بستر جغرافیایی فراهم آید.

- منابع بالقوه سرزمین

یکی از شاخه‌های حوزه جغرافیا که مستقیماً با معماری یک سرزمین مرتبط است، منابع و ظرفیت‌های بالقوه آن سرزمین است که شناخت ظرفیت‌ها، منابع و مصالح ساختمانی در دسترس در هر منطقه، نحوه استخراج و چگونگی به‌کارگیری آن‌ها در معماری، اهمیت زیادی در ایجاد معماری منطبق با بستر جغرافیایی دارد. استفاده از منابع بالقوه سرزمین یا به عبارتی مصالح بوم‌آورد از دیرباز یکی از خصوصیات معماری این سرزمین محسوب می‌شده که باعث کاهش هزینه‌ها، پاسخ‌گویی بهتر به مسائل اقلیمی و دستیابی به ظاهری هماهنگ با محیط در معماری هر منطقه می‌شود.

- نحوه تعامل انسان با محیط زیست طبیعی

مطالعه نحوه تعامل انسان با محیط زیست طبیعی در حوزه جغرافیای زیست‌محیطی تعریف می‌شود که شاخه‌ای از جغرافیاست و به توصیف جنبه‌های فضایی از تعامل میان انسان و جهان طبیعی می‌پردازد و به درک درستی از جنبه‌های سنتی جغرافیای فیزیکی و انسانی و نیز روش‌هایی که در آن جوامع انسانی محیط زیست را درک کنند، نیازمند می‌باشد.

در ایران، تنوع بسیار زیاد اقلیم و شرایط آب‌وهوایی باعث شده که مردم هر منطقه با تجربه طولانی زیستشان در این سرزمین، به راه‌هایی برای هماهنگی معماری با این شرایط طبیعی دست پیدا کنند و واجد کیفیات فرهنگی‌ای شوند که حاصل تعامل تاریخی با شرایط طبیعی بوده است (بهشتی ۱۳۹۰، ۱۶۷). توجه به راهکارهای اقلیمی و همچنین تطابق معماری با شرایط طبیعی هر منطقه، الگوی مناسبی برای آموختن طراحی در این سرزمین محسوب می‌شود.

- جغرافیای انسانی

جغرافیای انسانی رابطه متقابل انسان و عوامل جغرافیایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در جغرافیای انسانی، اثراتی که محیط بر جامعه انسانی و انسان به جای می‌گذارد و نیز متقابلاً اثراتی که انسان به کمک مهارت خود بر محیط زندگی بر خود بر جای می‌گذارد، مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد.

جغرافیای انسانی متوجه بررسی الگوها و فرایندهایی است که برهم‌کنش انسان با محیط‌های مختلف را شکل می‌دهد که شامل جنبه‌های انسانی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. درحالی‌که توجه عمده جغرافیای انسانی به چشم‌انداز فیزیکی زمین نیست. به سختی می‌توان هنگام بحث درباره جغرافیای انسانی، به چشم‌اندازهای فیزیکی که در فعالیت‌های انسان نقش بسیاری دارد، اشاره‌ای نکرد.

جغرافیای جمعیت، جغرافیای فرهنگی (نژاد و زبان)، جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای روستایی و برنامه‌ریزی روستایی، و جغرافیای ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی از جمله شاخه‌های جغرافیای انسانی است که بر معماری تأثیرگذار است.

۲. مطالعات و بررسی‌ها: بررسی برنامه‌های آموزش معماری از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگ

برای ارزیابی برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری از منظر توجه به فرهنگ و تطابق با آن، سه برنامه آموزشی انتخاب شده است که عبارت است از برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی که در سراسر کشور اجرا می‌شود و برنامه‌های بازنگری‌شده دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران. در هر سه برنامه، همه دروس دوره کارشناسی (به جز دروس عمومی) به سه حوزه «طراحی معماری»، «تاریخ و مبانی نظری» و «فن ساختمان» تقسیم می‌شود و در هر گروه مجموعه‌ای از دروس عملی و نظری قرار دارد. علاوه بر سه حوزه فوق، دروسی نیز در حوزه دروس اختیاری تعیین می‌شود که مجال برای هدف‌گذاری‌های خاص هر دانشگاه فراهم می‌کند. در این بخش، عناوین و محتوای همه دروس کارشناسی معماری در قالب سه حوزه درسی یادشده، بررسی و میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ، از طریق توجه به موضوعات تأثیرگذار بر معماری در سه حوزه جهان‌بینی و باورها، جغرافیا و تاریخ ارزیابی می‌شود. برای ارزیابی، طرح درس همه دروس این سه برنامه مطالعه شده (شکل ۱) و میزان توجه به موضوعات ذیل هر یک از مؤلفه‌های جهان‌بینی و باورها، تاریخ و جغرافیا در هر درس در جدول‌هایی ارزش‌گذاری شده است. در این ارزش‌گذاری، عدم توجه به موضوع مورد نظر با رنگ سفید (صفر امتیاز)، اشاره به آن در متن طرح درس با رنگ خاکستری روشن (۱ امتیاز) و اشاره به آن در بخش اهداف درس یا اشاره‌های متعدد به یک موضوع در متن طرح درس با رنگ خاکستری تیره (۲ امتیاز) مشخص شده است. در مرحله بعد، با احتساب تعداد واحد هر درس، امتیاز نهایی حضور هر موضوع در هر درس ارزیابی شده است (امتیاز نهایی برابر است با حاصل ضرب تعداد واحد در امتیاز حضور).

تصویر ۱: نمونه طرح درس مطالعه شده جهت بررسی از منظر توجه به مولفه‌های فرهنگ (نگارندگان، براساس طرح درس موجود در برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی)

انسان، طبیعت، معماری

تعداد واحد: ۲ واحد

نوع واحد: نظری، عملی

پیش‌نیاز: مقدمات طراحی معماری ۱

هدف:

- حساس شدن به محیط و یافتن نگاه معنی‌یاب به پدیده‌ها
- آشنایی با اصلی‌ترین مبانی پیدایش صور موجود در محیط اعم از صور طبیعی و ساخته دست انسان
- نوع نگاه انسان به خود و عالم
- نیز نظم و معنای دقیقی که در پس آن صور موجود است.

موضوع:

- نیل به اهداف درس از راه دقت و تفحص در معماری پدیده‌های طبیعی در مقیاس ذره و کلان، اعم از جمادات، گیاهان و جانوران، و در افقی و سیخ‌تر، با ممارست در ابعاد وجودی انسان صورت می‌گیرد. در این منظر، معماری به عنوان یک عمل انسان برآیند نیروهای متعددی است که از سوی طبیعت و محیط و نیز ابعاد جسمانی، روحانی، فردی و اجتماعی انسان وارد شده، در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده دارند.
- نوع نگاه انسان به خود و عالم
- آداب و سنن و آیین‌ها و رفتارها
- عناصر و ویژگی‌های طبیعی
- نحوه تأثیر و تأثر عوامل طبیعی در شکل‌گیری صور موجود زاینده و بازگوکننده نظم دقیق و حیرت‌انگیزی است که بر این عالم حاکم و خود از نشانه‌های راهبر به سوی خالق یکتاست. کشف این نظم دقیق و راز و رمز پیدایش صورت‌ها و جلوه‌های مختلف وجود نیازمند بصیرتی است که از راه مشاهده معنی‌یاب و نقد و تحلیل مصادیق متعدد میسر می‌گردد. از این رو در این درس انتخاب مصادیق مناسب و مطالعه نزدیک آنها از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. البته لازم به یادآوری است که سمت و زاویه نگاه این درس به پدیده‌ها جستجوی حکمت شکل‌گیری آن پدیده‌هاست که لاجرم با نگاه فیلسوف یا دانشمند علوم طبیعی تفاوت دارد. زمینه‌های مورد بحث و توجه در این درس عمدتاً عبارتند از:

- انتظام فضای کیهانی
- نظام هندسی حاکم بر جمادات (بلورها و ...)
- نظم حاکم بر شکل و رشد گیاهان
- نظم حاکم بر شکل‌گیری، رشد، حیات و حرکت جانوران
- معماری جانوران
- هندسه و تناسب بدن انسان و مقیاس انسانی
- طراحی معماری و عوامل طبیعی (و همزیستی معماری با عوامل و امکانات محیطی)
- طراحی معماری و عوامل انسانی (تأثیر پذیری معماری از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی و نیز فطرت انسانی)
- عناصر و ویژگی‌های طبیعی زمین
- شرایط اقلیمی
- نوع نگاه انسان به خود و عالم
- آداب و سنن و آیین‌ها و رفتارها
- جغرافیای انسانی

توضیحات:

- دیدگاه حاکم بر این درس مبتنی بر اعتقادات اسلامی است.
- مباحث این درس بیشتر همراه مشاهده مصادیق عینی و یا اسلاید، فیلم و مانند آن است که هم از سوی مدرس و هم توسط دانشجویان ارائه می‌گردد.
- مشاهده و یادداشت‌برداری تصویری از پدیده‌های محیطی و سپس گزارش تحلیلی چگونگی و حکمت شکل‌گیری آنها، روش حاکم بر تمرین‌های دانشجویان در این درس است.
- ادیان و آموزه‌های دینی

جدول ۱: ارزیابی برنامه آموزشی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگ و موضوعات مؤثر بر معماری (نگارندگان، براساس برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی)

مؤلفه‌های فرهنگ	جهان‌بینی	تاریخ	جغرافیا	موضوعات تأثیرگذار بر معماری	
				تاریخ تحولات فرهنگی و اجتماعی	تاریخ تحولات سیاسی
خوزه‌های اصلی دروس معماری	هندسه کاربردی	۳			
	کارگاه مصالح و ساخت	۳			
	درک و بیان محیط	۳		۳	
	مقدمات طراحی معماری (۱)	۵			۵
	بیان معماری (۱)	۲			
	هندسه مناظر و مرابا	۲			
	مقدمات طراحی معماری (۲)	۵			
	بیان معماری (۲)	۲			
	طراحی معماری (۱)	۵		۵	
	طراحی معماری (۲)	۵		۱۰	
	طراحی معماری (۳)	۵			۱۰
	روستا (۱)	۳		۳	۶
	طراحی معماری (۴)	۵		۵	
	روستا (۲)	۳		۳	۶
	تحلیل فضاهای شهری	۳		۳	۶
	طراحی معماری (۵)	۵		۱۰	۱۰
	طرح نهایی	۶		۶	۶
	آشنایی با معماری جهان	۲			۲
	انسان، طبیعت، معماری	۲		۲	۴
	برداشت از بناهای تاریخی	۳			۶
آشنایی با معماری اسلامی	۴		۴	۴	
آشنایی با معماری معاصر	۲		۲	۴	
آشنایی با مرمت ابنیه	۳			۳	
مبانی نظری معماری	۳		۳		
مبانی برنامه‌ریزی کالبدی	۲		۲		
ریاضیات و امار	۳				
ایستایی	۲				
مقاومت مصالح و سازه‌های فلزی	۲				
مصالح ساختمانی	۲				
سازه‌های بتنی	۲				
نقشه‌برداری	۲				
تنظیم شرایط محیطی	۲		۲	۴	
سیستم‌های ساختمانی	۲				
تاسیسات مکانیکی	۲				
ساختمان (۱)	۲			۲	
ساختمان (۲)	۳				
تاسیسات الکتریکی، نور و صدا	۲				
مدیریت و تشکیلات کارگاه	۲				
طراحی فنی	۳				
متره و برآورد	۲				

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۰ - پاییز و زمستان ۹۵
۱۵۲

۱.۲. برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری، مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی

برنامه فعلی دوره کارشناسی معماری مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ است که به همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برگزارکننده دوره کارشناسی معماری ابلاغ شده و از سال ۱۳۷۸ به اجرا درآمده است. در این برنامه، ۱۲۰ واحد آموزشی در قالب ۴۰ درس اصلی و ۱۳ درس اختیاری^۳ تعریف شده است.^۴ طرح درس همه دروس این برنامه مطالعه شده و میزان توجه به موضوعات تأثیرگذار بر معماری در سه حوزه جهان‌بینی و باورها، تاریخ و جغرافیا در هر درس در جدول (۱) ارزش‌گذاری شده است (شورای عالی برنامه‌ریزی ۱۳۷۷، ۷۸-۱۰). نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که (نمودار ۱):

- توجه به مؤلفه‌های فرهنگ بیش از همه در دروس تاریخ و مبانی نظری و پس از آن در دروس طراحی معماری و در نیمه دوم دوره آموزش رخ داده است. این توجه در دروس فن ساختمان به‌جز چند موضوع از حوزه جغرافیا بسیار ناچیز است.

- در حوزه دروس طراحی و تاریخ و مبانی نظری، به مؤلفه‌های جهان‌بینی و جغرافیا توجه بیشتری شده و موضوعات حوزه تاریخ تنها محدود به دروس تاریخ و مبانی نظری بوده است.

- به مؤلفه تاریخ در دروس طراحی معماری و فن ساختمان تقریباً توجهی نمی‌شود.

- در دروس فن ساختمان به‌طور بسیار جزئی و تنها در یک درس به مؤلفه جغرافیا توجه شده است.

- دروس اختیاری در این برنامه معین نشده است، بنابراین نمی‌توان از میزان امکان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ تفسیری داشت.

۲.۲. برنامه بازنگری شده آموزشی دوره کارشناسی معماری، دانشگاه شهید بهشتی

برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی در سال ۱۳۸۴ مورد بازنگری اساتید دانشگاه شهید بهشتی قرار گرفته و برنامه جدیدی براساس نتیجه آن نوشته شده و در آن دانشگاه به اجرا درآمده است. در این برنامه، ۱۱۹ واحد درسی تخصصی در قالب ۲۷ درس اجباری و چهار درس اختیاری (یازده واحد) و دو درس جبرانی ارائه می‌شود. طرح درس همه دروس این برنامه مطالعه شده و میزان توجه به موضوعات تأثیرگذار بر معماری در حوزه مؤلفه‌های فرهنگ در هر درس در جدول (۲) ارزش‌گذاری شده است (دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۴، ۱۰۴-۱۶). نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که (نمودار ۲):

- توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در دروس طراحی معماری با توجه به بالا بودن تعداد واحدها و فن ساختمان بسیار اندک است و در دروس تاریخ و مبانی نظری و دروس اختیاری بیشتر به آن‌ها توجه شده است.

- به مؤلفه تاریخ بیشتر در حوزه دروس تاریخ و مبانی نظری توجه شده و در دیگر حوزه‌ها توجه به آن تقریباً ناچیز است.

- علی‌رغم اهمیت مؤلفه جهان‌بینی، به این مؤلفه تقریباً در همه حوزه‌ها توجه بسیار کم است. مگر در حوزه دروس اختیاری که به نسبت تعداد واحد توجه به جهان‌بینی در آن نسبتاً بالاست.

- توجه به مؤلفه‌های تاریخ و به‌خصوص جغرافیا در دروس فنی کم است.

- توجه به مؤلفه جغرافیا در دروس اختیاری به‌نحو قابل توجهی بیشتر از سایر حوزه‌هاست.

۳.۲. برنامه بازنگری شده آموزشی دوره کارشناسی معماری، دانشگاه تهران

در سال ۱۳۹۱، برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی در دانشگاه تهران بازنگری و برنامه جدیدی تدوین شده است. در این برنامه، ۱۲۱ واحد درسی در قالب ۴۳ درس اجباری و ۴ درس اختیاری (۸ واحد) تعریف شده است. طرح درس همه دروس این برنامه مطالعه شده و میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در هر درس در جدول (۳) علامت‌گذاری شده است (دانشکده معماری دانشگاه تهران ۱۳۹۱، ۱۶-۱۲۰). این بررسی نشان می‌دهد که (نمودار ۳):

- بیشتر در دروس تاریخ و مبانی نظری به مؤلفه‌های فرهنگ توجه شده است و در دروس طراحی معماری به نسبت تعداد واحدها، این توجه نسبتاً ضعیف است.

- به مؤلفه جهان‌بینی در دروس طراحی که بیشترین نقش را در تربیت معمارانه دانشجویان بر عهده دارد، بسیار کم توجه شده است. این ضعف در دروس اختیاری نیز جبران نشده است.

0 توجه به مؤلفه جغرافیا به جز در حوزه دروس تاریخ و مبانی نظری، در بقیه حوزه‌ها بسیار کم است.
0 در دروس اختیاری توجه به مؤلفه‌های فرهنگ بسیار ناچیز است.

جدول ۲: ارزیابی برنامه آموزشی دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگ و موضوعات مؤثر بر معماری نگارندگان، براساس برنامه آموزشی دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی)

مؤلفه‌های فرهنگ	جهان بینی	تاریخ	جغرافیا	حوزه‌های اصلی دروس معماری
موضوعات تأثیرگذار بر معماری	ادبیان و آموزه‌های دینی	تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی	عناصر و ویژگی‌های طبیعی زمین	معماری
	آداب و سنن و آیین‌ها و رفتارها	تاریخ مهندسی و فناوری	شرایط اقلیمی	
	خود و عالم	تاریخ هنر و معماری		
		تاریخ تحولات فرهنگی		
		تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی		
		تاریخ مهندسی و فناوری		
		تاریخ هنر و معماری		
		شرایط اقلیمی		
		عناصر و ویژگی‌های طبیعی زمین		
کارگاه طراحی پیش‌دانشگاهی	۸	۸	۸	طراحی معماری
تحقیق و گزارش نویسی	۳			
طراحی معماری (۱)	۶			
شیوه‌های ارائه (۱)	۳			
طراحی معماری (۲)	۶	۶		
شیوه‌های ارائه (۲)	۳			
طراحی معماری (۳)	۶			
طراحی معماری (۴)	۶	۱۲	۱۲	
طراحی معماری (۵)	۶	۱۲	۱۲	
طراحی معماری (۶)	۶			
طراحی معماری (۷)	۶		۶	
طرح نهایی	۸		۸	
زبان تخصصی	۲			تاریخ و مبانی نظری
مقدمه‌ای بر رشته معماری	۳	۳	۳	
فرآیند طراحی معماری	۳			
تاریخ معماری جهان	۳	۶	۶	
تاریخ معماری اسلامی ایران	۳	۳	۳	
تاریخ معماری معاصر	۳	۶	۶	
ریاضیات برای معماری	۳		۳	
ساختمان (۱)	۳		۳	
ساختمان (۲)	۳		۳	
ساختمان (۳)	۳		۳	
ساختمان (۴)	۳		۳	
سازه (۱)	۳		۳	
سازه (۲)	۳		۳	
سازه (۳)	۳		۳	
تنظیم شرایط محیطی (۱)	۳	۶	۶	
تنظیم شرایط محیطی (۲)	۳			
تنظیم شرایط محیطی (۳)	۳			
آشنایی با حرفه معماری	۳			دروس اختیاری
آشنایی با طراحی شهری	۳	۳	۳	
آشنایی با معماری منظر	۳		۳	
آشنایی با معماری روستا	۴	۸	۸	

جدول ۳: ارزیابی برنامه آموزشی دانشکده معماری دانشگاه تهران از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگ و موضوعات مؤثر بر معماری (نگارندگان، براساس برنامه آموزشی دانشکده معماری دانشگاه تهران)

مؤلفه‌های فرهنگ	جهان‌بینی	تاریخ	جغرافیا	موضوعات تأثیرگذار بر معماری
مقدمت طراحی معماری (۱)	۵	۵	۵	مقدمت طراحی معماری (۱)
بیان معماری (۱)	۲			بیان معماری (۱)
مقدمت طراحی معماری (۲)	۵	۵		مقدمت طراحی معماری (۲)
بیان معماری (۲)	۲			بیان معماری (۲)
مقدمت طراحی معماری (۳)	۵	۵		مقدمت طراحی معماری (۳)
بیان معماری (۳)	۲	۲		بیان معماری (۳)
کامپیوتر در معماری	۲			کامپیوتر در معماری
طراحی معماری (۱)	۵			طراحی معماری (۱)
اسکیس (۱)	۱			اسکیس (۱)
طراحی معماری (۲)	۵	۱۰		طراحی معماری (۲)
اسکیس (۲)	۱			اسکیس (۲)
طراحی معماری (۳)	۵	۱۰	۱۰	طراحی معماری (۳)
طراحی معماری (۴)	۵	۱۰	۱۰	طراحی معماری (۴)
طراحی فضاهای شهری	۳	۳	۳	طراحی فضاهای شهری
طراحی معماری (۵)	۵	۱۰	۱۰	طراحی معماری (۵)
طرح نهایی	۶	۳	۳	طرح نهایی
معماری جهان	۲	۴	۴	معماری جهان
انسان، طبیعت، معماری	۲	۲	۲	انسان، طبیعت، معماری
معماری اسلامی (۱)	۲	۲	۲	معماری اسلامی (۱)
معماری اسلامی (۲)	۲	۲	۲	معماری اسلامی (۲)
فرایند طراحی در معماری	۲	۲	۲	فرایند طراحی در معماری
معماری معاصر (۱)	۲	۲	۲	معماری معاصر (۱)
مبانی نظری معماری	۲	۲	۲	مبانی نظری معماری
معماری معاصر (۲)	۲	۲	۲	معماری معاصر (۲)
مبانی برنامه‌ریزی فضاهای شهری	۲	۴	۴	مبانی برنامه‌ریزی فضاهای شهری
تحلیل و طراحی روستا	۳	۶	۶	تحلیل و طراحی روستا
ایستایی	۲			ایستایی
مقاومت مصالح و سازه‌های فلزی	۳			مقاومت مصالح و سازه‌های فلزی
مصالح ساختمانی	۲	۴		مصالح ساختمانی
سازه‌های بتنی	۲			سازه‌های بتنی
نقشه‌برداری	۲			نقشه‌برداری
تنظیم شرایط محیطی	۲	۲		تنظیم شرایط محیطی
سیستم‌های ساختمانی	۲			سیستم‌های ساختمانی
تاسیسات مکانیکی	۲			تاسیسات مکانیکی
ساختمان (۱)	۲	۲		ساختمان (۱)
ساختمان (۲)	۲			ساختمان (۲)
تاسیسات الکتریکی، نور و صدا	۲			تاسیسات الکتریکی، نور و صدا
مدیریت تشریفات کارگاهی	۲			مدیریت تشریفات کارگاهی
طراحی فنی	۳			طراحی فنی
متره و برآورد	۲			متره و برآورد

مؤلفه‌های فرهنگ	جهان‌بینی	تاریخ	جغرافیا	حوزه‌های اصلی دروس معماری
موضوعات تأثیرگذار بر معماری	تاریخ تحولات سیاسی تاریخ تحولات فرهنگی و اجتماعی تاریخ مهندسی و فناوری	تاریخ مهندسی و معماری تاریخ هنر و معماری شرایط اقلیمی	عناصر و ویژگی‌های طبیعی زمین منابع بالقوه سرزمین طبیعی توجه تعامل انسان با محیط زیست	جهان‌بینی انسانی
شناخت، آسیب شناسی، فن مداخله در آثار معماری	۳		۳	
ارائه معماری با کمک نرم افزارهای کامپیوتری (۲)	۲			
مبانی معماری منظر	۲		۲	
مبانی معماری داخلی	۲			
حفاظت و مرمت ابنیه	۲		۲	
زبان تخصصی معماری	۲			
کارگاه معماری و ساخت	۲			
مبانی مهندسی زلزله برای معماران	۲		۲	
فناوری‌های نوین ساختمانی	۲			
طراحی در بحران	۲			

۳. یافته‌های تحقیق

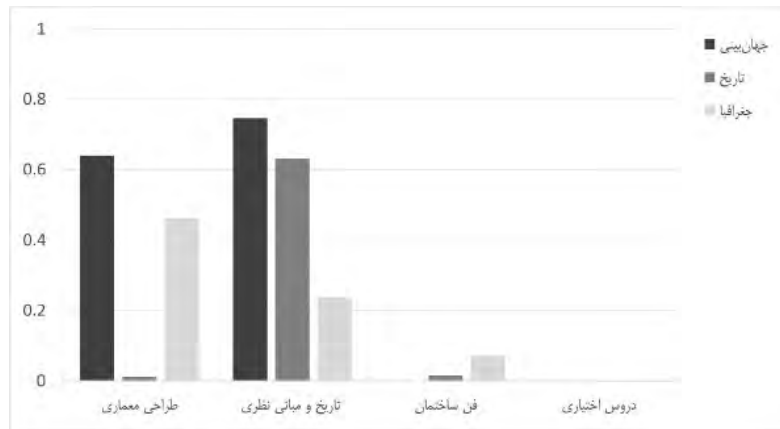
بررسی و ارزیابی این سه برنامه آموزشی نشان می‌دهد که سه مؤلفه جهان‌بینی، تاریخ و جغرافیا در دروس سه حوزه طراحی معماری، تاریخ و مبانی نظری و فن ساختمان حضور برابر ندارد. نتایج مطالعه و بررسی فوق در قالب نمودارهای ۱ تا ۳ جمع‌بندی شده است. برای تهیه نمودارها، از امتیازهای موضوعات در هر حوزه درسی میانگین گرفته شده (با احتساب تعداد واحدها) و امتیاز توجه به هر مؤلفه در هر حوزه درسی از میانگین میانگین امتیازها حاصل شده است. اگر به امتیازدهی اولی (صفر، ۱ و ۲) توجه شود، از مقدار عددی مؤلفه عمودی این نمودارها چنین می‌توان تفسیر کرد که برآیند توجه به همه مؤلفه‌های فرهنگ از حد اشاره به آن در متن دروس کمتر است (کمتر از یک) و گاه بسیار ناچیز محسوب می‌شود. تنها توجه به مؤلفه جهان‌بینی در حوزه دروس تاریخ و مبانی نظری در برنامه دانشگاه تهران بیشتر از یک است و نشان از توجه بالاتر است. نمودارهای فوق به معنای کافی بودن یا نبودن توجه به یک مؤلفه در یک حوزه درسی نیست. به عبارت دیگر، کافی بودن یا نبودن و چگونگی طرح یک موضوع در دروس، به محتوای اجرا شده یک طرح درس بازمی‌گردد. در این پژوهش امکان ارزیابی محتوای اجرا شده وجود نداشته، بلکه تنها طرح دروس براساس برنامه‌های مصوب ارزیابی شده است و در جست‌وجوی این بوده است که توجه یا عدم‌توجه به یک موضوع را در هدف یا متن طرح دروس بررسی کند.

چنان‌که در این نمودارها دیده می‌شود، به مؤلفه‌های جهان‌بینی و تاریخ بیش از همه در دروس حوزه تاریخ و مبانی نظری پرداخته شده است و در دروس حوزه فن ساختمان تنها به مؤلفه جغرافیا به میزان کمی توجه شده است. نکته قابل توجه این است که در دروس حوزه طراحی معماری که بیشترین بار آموزش معماری را بر دوش می‌کشد (تعداد واحد و ساعت بیشتر و دروس اصلی بودن) و نقش مهمی در پرورش بینش و بصیرت دانشجویان دارد، به اندازه‌ای که ظرفیت آن وجود دارد به مؤلفه‌های فرهنگ پرداخته نمی‌شود. در دروس اختیاری مجال مناسبی برای دانشگاه‌ها فراهم است تا کمبودهای محتوای سایر دروس را با تعریف دروس خاص جبران کنند. در برنامه دانشگاه شهید بهشتی تا حدودی نقش مؤلفه‌های فرهنگ در محتوای دروس اختیاری دیده می‌شود.

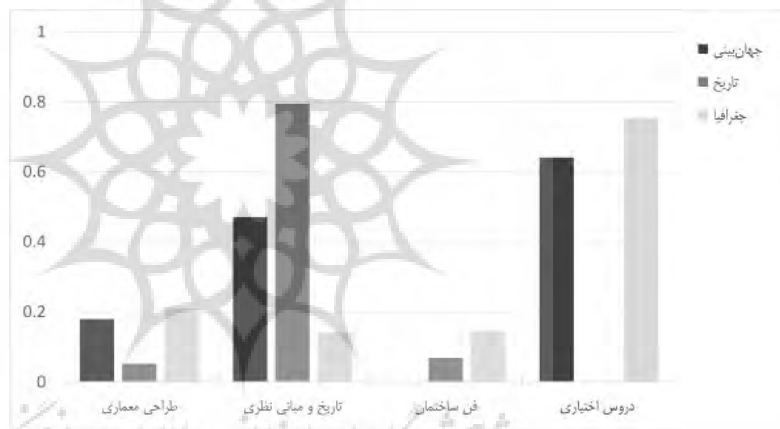
مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۰ - پاییز و زمستان ۹۵

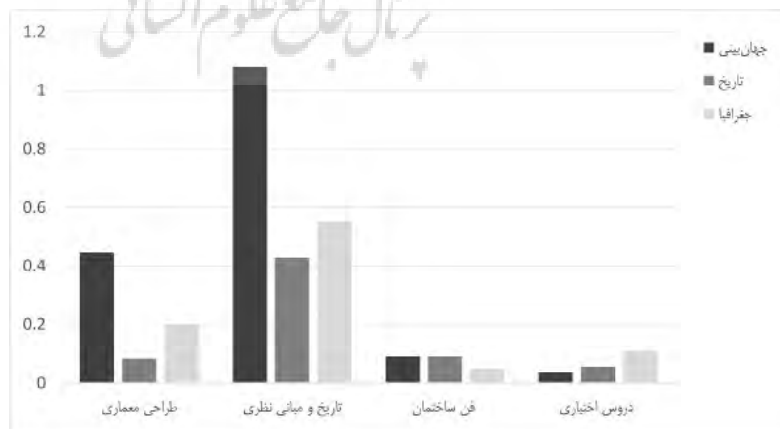
۱۵۷



نمودار ۱: میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در حوزه‌های آموزشی برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی (نگارندگان)



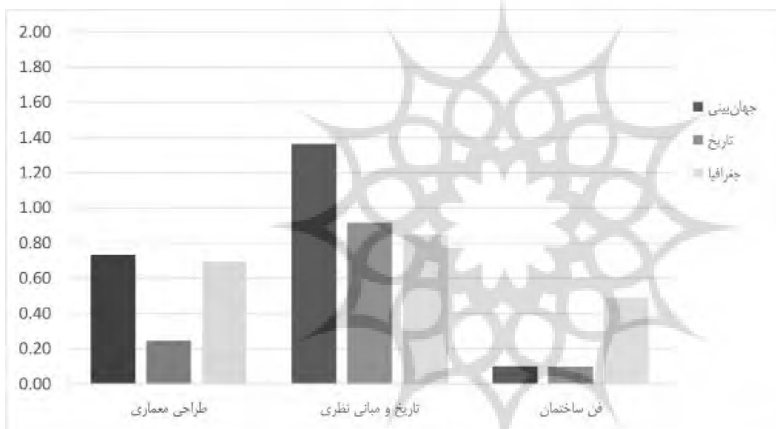
نمودار ۲: میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در حوزه‌های آموزشی برنامه دانشگاه شهید بهشتی



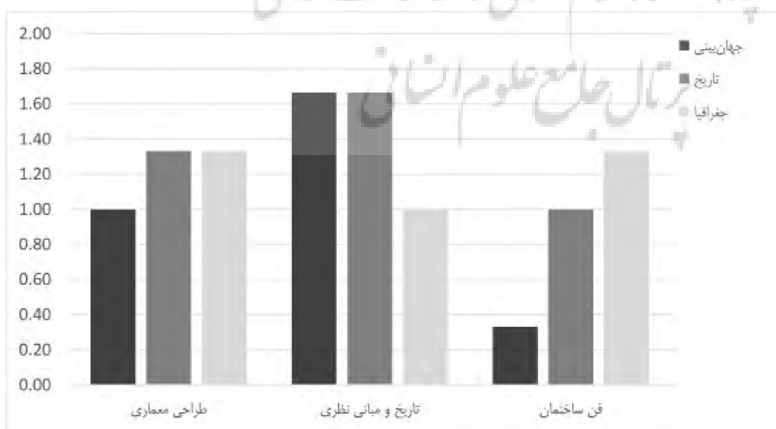
نمودار ۳: میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در حوزه‌های آموزشی برنامه دانشگاه تهران

۱.۳. امکان‌سنجی ارتقای توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در برنامه آموزش معماری

اگر هریک از برنامه‌های دوره کارشناسی معماری از منظر ارتقای سطح توجه به مؤلفه‌های فرهنگ بازنگری شود، براساس دروس موجود در برنامه و ظرفیت‌های بالقوه موجود در هر درس، می‌توان سرفصل و محتوای دروس را به نحوی تدوین کرد که توجه به شاخصه‌های فرهنگی متناسب با موضوع هر درس ارتقا یابد. در این بخش، به‌عنوان پیشنهاد محتوای آموزشی برنامه مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی مرور و پیش‌بینی شده است که با برنامه موجود و با ویرایش جزئی در محتوای دروس، سطح توجه به مؤلفه‌های فرهنگ مطابق نمودار ۴ قابل ارتقا است. از سوی دیگر، بنا بر نظرخواهی از صاحب‌نظران در حوزه معماری و فرهنگ، که همگی از استادان رشته معماری نیز محسوب می‌شوند، میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در هریک از حوزه‌های درسی برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری ظرفیت‌سنجی شده است.^۵ اختلاف هریک از ستون‌های نمودار ۴ و ۵ نشان می‌دهد که در هر مورد چه میزان ظرفیت برای افزایش توجه به مؤلفه‌های فرهنگی وجود دارد. مطابق نمودار ۵، برنامه آموزش معماری علاوه بر ویرایش محتوای دروس با تدوین دروس جدید می‌تواند ظرفیت بالاتری برای توجه به مؤلفه‌های فرهنگ فراهم کند.



نمودار ۴. امکان ارتقاء میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ براساس ویرایش طرح دروس برنامه مصوب شورای عالی



نمودار ۵: ظرفیت میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در هریک از حوزه‌های درسی برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری براساس نظر صاحب‌نظران

نتیجه

براساس تعاریف موجود از فرهنگ و وجوه آن، می‌توان مؤلفه‌های فرهنگ را جهان‌بینی، تاریخ، جغرافیا دانست که در ذیل هر یک مجموعه‌ای از موضوعات قابل تعریف است که بر معماری تأثیرگذار است. در بررسی برنامه‌های آموزش معماری از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگ، میزان توجه به موضوعات تأثیرگذار بر معماری در طرح دروس هر یک از برنامه‌ها ارزیابی شده است. بدین ترتیب، میزان توجه هر یک از حوزه‌های طراحی معماری، تاریخ و مبانی نظری، فن ساختمان و دروس اختیاری در برنامه‌های مختلف ارزیابی و با یکدیگر مقایسه شده است.

این مطالعه نشان می‌دهد که محتوای دروس حوزه طراحی معماری بیش از همه نیازمند بازنگری است. میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در این حوزه که در برگیرنده غالب دروس اصلی رشته معماری است باید ارتقا پیدا کند. نکته قابل توجه این است که ضعف برنامه‌های آموزشی معماری در برقراری نسبت درست با فرهنگ بیشتر از آنکه در برنامه آموزشی و عنوان درس‌ها باشد، در تدوین محتوا و طرح دروس است. بر این اساس، بازنگری محتوای دروس رشته معماری و توجه به مؤلفه‌های فرهنگ و موضوعات آن‌ها می‌تواند مهم‌ترین گام در ارتقای انطباق آموزش معماری با بستر فرهنگی کشور باشد.

بدین ترتیب:

- میزان توجه به مؤلفه جهان‌بینی در دروس حوزه طراحی معماری و تاریخ و مبانی نظری می‌تواند ارتقای قابل توجهی پیدا کند.

- توجه به مؤلفه تاریخ نباید تنها محدود به حوزه دروس تاریخ و مبانی نظری باشد، بلکه در حوزه طراحی و حتی فن ساختمان نیز این ظرفیت تا اندازه قابل توجهی وجود دارد. هرچند که در حال حاضر در دروس تاریخ و مبانی نظری هم حداکثر توجه ممکن به آن نشده است.

- توجه به مؤلفه جغرافیا در همه حوزه‌های درسی باید ارتقا پیدا کند، به‌ویژه در حوزه فن ساختمان ظرفیت بالایی برای توجه به مؤلفه جغرافیا وجود دارد که غالباً مورد غفلت قرار می‌گیرد.

- در هر یک از حوزه‌ها که تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ در قالب دروس موجود کافی نیست، می‌توان دروسی اختیاری برای جبران کمبود توجه به یک مؤلفه یا موضوعی ذیل یک مؤلفه پیشنهاد کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Culture
۲. این سند در راستای سند چشم‌انداز ملی ایران افق ۱۴۰۴ تنظیم شده و در واقع بخش فرهنگی سند چشم‌انداز ملی است که حاکم بر همه اسناد بخشی همچون سند جامع علمی کشور، سند تعلیم و تربیت و... است و نسبت به سایر اسناد، فرادستی و حاکم بر آن‌هاست. پیش‌نویس نقشه مهندسی فرهنگی در بیش از ۱۵۰ جلسه شورای مهندسی فرهنگی بحث و بررسی شد و در نهایت شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۳۳ جلسه، سند نقشه مهندسی فرهنگی را بررسی و در جلسه هفتصدوسی‌ویکم مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۹۱ به تصویب نهایی رسانید.

۳. از مجموع دروس اختیاری تنها دو درس (مجموعاً ۴ واحد) باید گذرانده شود.

۴. در این برنامه سیزده درس اختیاری (حقوق معماری، اخلاق معماری، تعمیر و نگهداری ساختمان، روش تحقیق، زبان تخصصی، ایران‌شناسی، معماری جهان اسلام، تاریخ شهرهای ایران، آشنایی با سایر هنرها، سازه‌های نو، فرایند و روش‌های معماری، کاربرد کامپیوتر در معماری، دروس سایر رشته‌های هنر) نیز معرفی شده که طرح درسی از آن‌ها ارائه نشده و به عهده مدرسان و دانشگاه‌ها قرار داده شده است. به همین علت محتوای این دروس در ارزیابی منظور نشده است.

۵. نمودار پیشنهادی به روش دلفی و براساس نظرخواهی از صاحب‌نظرانی انجام شده است که در بخش تعیین موضوعات تأثیرگذار بر معماری در حوزه مؤلفه‌های فرهنگ نیز از آن‌ها نظرخواهی شده بود.

منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۴۹ الف. بودن یا نبودن فرهنگ (۲). یغما (۲۶۲). ص ۱۹۳-۱۹۹.

- _____ . ۱۳۴۹ ب. بودن یا نبودن فرهنگ (۳). یغما. (۲۶۳): ص ۲۵۷-۲۶۳.
- _____ . ۱۳۵۱. بر زمین ناستوار فرهنگ. نگین. (۸۴): ص ۸۵.
- _____ . ۱۳۹۰. *ایران و تنهایی/ش*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ اسلامی، سیدغلامرضا، قدسی، مهرنوش. ۱۳۹۲. رویکردی اسلامی به طراحی مدل ساختارمند نظام آموزش معماری. *کیمیای هنر*. (۷): ص ۷۹-۹۶.
- _____ آشوری، داریوش. ۱۳۸۰. *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. تهران: آگاه.
- _____ بهشتی، سیدمحمد. ۱۳۸۹. هویت و مهندسی ایرانی. *آیین*. (۲۸ و ۲۹): ص ۱۵-۵.
- _____ . ۱۳۹۰. روایت تهران. *صفه*. (۵۳): ص ۱۵۷-۱۸۲.
- _____ حجت، مهدی. ۱۳۸۲. میزگرد هنر و فرهنگ. *نامه فرهنگ*. (۵۰): ص ۲۰-۳۹.
- _____ . ۱۳۸۶. سنت در معماری: هم اصیل، هم به‌روز. *آبادی*. (۵۴): ص ۱۲۸-۱۳۳.
- _____ . ۱۳۸۷. هویت در معماری، آشیانی برای مرغ باغ ملکوت. *آینه خیال*. (۹۹): ص ۸۸-۸۴.
- _____ دانشکده معماری دانشگاه تهران. ۱۳۹۱. *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری*، تهران.
- _____ دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۸۴. *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری*. تهران.
- _____ راپاپورت، ایمس. ۱۳۶۶. *منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی*. ترجمه راضیه رضازاده. بی‌جا: دانشگاه علم و صنعت، جهاد دانشگاهی.
- _____ . ۱۳۸۴. *معنی محیط ساخته‌شده*. ترجمه فرح حبیب. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- _____ . ۱۳۹۱. *فرهنگ، معماری و طراحی*. ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف‌نیپاشا. ساری: شلفین.
- _____ روح‌الامینی، محمود. ۱۳۷۹. *زمینه فرهنگ‌شناسی: تالیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی*. تهران: عطار.
- _____ شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۹۱. *نقشه مهندسی فرهنگی*. <http://mf.farhangelm.ir>.
- _____ شورای عالی برنامه‌ریزی. ۱۳۷۷. *مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری*. تهران: وزارت علوم و آموزش عالی.
- _____ شهیدی، محمدشریف، بمانیان، محمدرضا، یالپانیان، مهزاد. ۱۳۸۷. نقش پژوهش در فرآیند آموزش طراحی معماری. *هویت شهر*. (۲): ص ۸۱-۹۴.
- _____ فیضی، محسن، اسدپور، علی. ۱۳۹۲. تحلیل محتوای سرفصل دروس معماری منظر مبتنی بر نگرش سیستمی در آموزش و طراحی منظر. *معماری و شهر پایدار*. سال اول. (۱): ص ۴۳-۵۳.
- _____ گلابچی، وقامهر و شاهرودی. ۱۳۸۲. بررسی و ارزیابی آموزش دروس فن ساختمان در رشته معماری، دومین همایش آموزش معماری، تهران: دانشگاه تهران. دانشکده هنرهای زیبا: ص ۱۹۳-۲۱۸.
- _____ محمدی، مهدی، عزیزپور، فهیمه. ۱۳۹۲. ارزیابی تناسب برنامه درسی تدوین‌شده زیست‌محیطی در رشته‌های مهندسی عمران، معماری و کشاورزی با معیارهای توسعه پایدار زیست‌محیطی. *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*. سال پانزدهم. (۵۹): ص ۷۵-۹۴.
- _____ مردمی، کریم و محمد مرادی، اصغر. ۱۳۸۷. الزامات ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران. *ویژنامه مهندسی معماری و شهرسازی*. جلد ۱۹. (۶): ص ۱۰۵-۱۱۰.
- _____ مظفر، فرهنگ و حسینی، باقر و عبدمجبری، امین. ۱۳۹۱. فرهنگ در پژوهش‌های معماری. *مسکن و محیط روستا*. (۱۳۸): ص ۲۹-۳۸.
- _____ معظمی، منوچهر. ۱۳۹۱. *فرهنگ و معماری: تبیین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر معماری ایران در دوره معاصر*. رساله جهت دریافت درجه دکتری. به راهنمایی دکتر عیسی حجت. تهران: دانشگاه تهران. پردیس هنرهای زیبا. دانشکده معماری.
- _____ مهدوی‌پور، حسین، جعفری، عاطفه. ۱۳۹۱. جایگاه دانش و صنعت بومی در آموزش معماری امروز. *مسکن و محیط روستا*. (۱۳۷): ص ۱۷-۳۶.
- _____ نجارنجفی، الناز. ۱۳۹۱. تربیت و عمارت: آموزش معماری با تأمل در مفهوم فرهنگ نزد قدما. *آموزش مهندسی ایران*. سال چهاردهم. (۵۶): ص ۱۷-۳۵.
- _____ نصر، سید حسین. ۱۳۸۶. *معرفت جادوان*. جلد ۲ و ۱. زیر نظر و به اهتمام حسن حسینی. تهران: مهر نیوشا.
- _____ . ۱۳۸۴. *انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.